

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد عزیز: با توجه به اصل تناقض که مناطقه آن را ام القضا یا می دانند و در قدیم هشت شرط برای آن قایل بودند و بعدها ملاصدرا وحدت حمل را هم به آن اضافه کرد آیا می شود گفت باب این مساله هنوز باز است و وحدت های دیگری را هم اضافه کرد؟ مثلا از آنجا که در خیلی موارد افراد بین دو مقوله ی تکوین و تشریح را خلط می کنند و دچار تناقض و اشتباه می شوند این شرط را هم به شرایط نه گانه اضافه کنیم و یا خیلی موارد دو مقوله ی اجمال و تفصیل ذهن را دچار تناقض می کند و اگر شخص متوجه شود که گاهی از مقام تفصیل و گاهی از مقام اجمال به مطلب نگاه می کند و در این صورت تناقض رفع می شود این شرط را هم در نظر بگیریم. یا در بعضی موارد شخص ذهن و عین را با هم خلط می کند که اگر این شرط هم به شروط اضافه شود مشکل تناقض برطرف می شود - البته گویی این شرط با شرط وحدت حمل یکی است. آیا این حرف صحیح است یا اینگونه وحدت ها را هم باید در همان وحدتهای نه گانه جستجو کرد و باب آن را بسته بدانیم؟ و یا اصولا در اینجا بین دو علم خلطی صورت گرفته و نباید این دو یا سه مقوله را در موضوعات منطقی وارد کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مباحثی مثل خلط بین تکوین و تشریح و یا توجه به اجمال و تفصیل، از مباحث فلسفی است و نه منطقی. به همین جهت باید در فلسفه مورد بحث قرار گیرد. از طرفی عنایت داشته باشید که ساحت تفکر، محدود به عقلی که مدّ نظر دستگاه ارسطویی است و در محدوده‌ی آن منطق فعالیت دارد، نیست. لذا نمی‌توان از منطق دیالکتیک اگر با منطق ارسطویی سنجیده نشود، بگذریم. نظر به حقیقت در محدوده‌ی تفکر مشایی به حجاب‌بردن بعضی از چهره‌های حقیقت است در آن حدّی که بعضی‌ها بخواهند عرفان را هم در این منطق جستجو کنند. در حالی‌که خود ارسطو قضایایی که «قیاساتها معها» است را از این منطق بیرون می‌دانند. موفق باشید